

منابع:

- ۱- امامی افشار، احمدعلی. گزیده اشعار منوچهری دامغانی. چاپ ششم. (انتشارات بنیاد، ۱۳۷۴).
- ۲- نصیری فر، حبیب‌الله. مردان موسیقی سنتی و نوین ایران. چاپ چهارم. (انتشارات راد، ۱۳۷۰).
- ۳- ابن‌خردادبه. السالک والممالک. چاپ اول. (چاپ مهراث، ۱۳۷۰).
- ۴- منوچهری دامغانی، ابوالنجم احمد. دیوان. به کوشش دبیرسیاقی، محمد. (انتشارات زوار، ۱۳۶۳).
- ۵- ذبیحی، مسیح‌الله. استرآباد نامه. (انتشارات فرهنگ ایران زمین، ۱۳۴۸).
- ۶- معطوفی، اسدالله. تاریخ فرهنگ و ادب گرگان و استرآباد. چاپ اول. (انتشارات علوم طبیعی پدیده گرگان، ۱۳۷۶).
- ۷- مهرآبادی، میترا. تاریخ سلسله زیاری. چاپ اول. (دنیای کتاب، ۱۳۷۴).

### بررسی ابتکارات شعری منوچهری دامغانی

محمد متحدی

ابوالنجم احمد بن قوص بن احمد منوچهری دامغانی شاعر خوش ذوق، با استعداد، صاحب سبک و بلند آوازه‌ اوایل قرن پنجم هجری قمری بود. شاعری که بهره اش از دنیای فانی عمر کوتاهی بود و در عنفوان جوانی بدنای باقی شتافت. منوچهری شاعر جوانی و لذت جویی بود. مرگ هنگامی این شاعر جوان و با احساس را در بر گرفت که همه وجودش زندگی بود و شعر و شادابی.

هوش و ذکاوت منوچهری به اندازه ای غنی و پر بار بود که در عمر کوتاه بهره‌ و آفری از علوم زمان نصیصش گردید و اگر اجل سالیانی دیگر به او مهلت می داد تا یافته ها و اندوخته های علمی اش را به منصف ظهور برساند بسیاری از اما و اگرها که پیرامون زندگی و شعر او بیان می شود جای خود را به نظریات صریح و شفاف داده، ارزش علمی و هنری این شاعر خوش قریحه بیش از اینها نمایان می شد. آنچه که منوچهری در دوران زندگی مختصر اما پر ثمر از خود به جای گذاشت حاکی از درک صحیح و عمیق او از شرایط زمان و مکان و همچنین احاطه او بر علوم عصر خود بویژه زبان و ادب فارسی و عربی است. سخن گفتن از سبک شعری منوچهری و ابتکاراتی که این شاعر شیرین سخن در اشعار خود بکار برده و شناخت شأن و مرتبه و جایگاه منوچهری در ادبیات منظوم فارسی بدون مطالعه و بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی و سیر تحول شعر فارسی در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری قمری نتایج دقیق و کاملی حاصل نخواهد شد. بنابر این ضرورت ایجاد می کند برای وارد شدن به بحث اصلی ابتدا تحلیل مختصری از اوضاع سیاسی اجتماعی و

وضعیت شعر فارسی در آن زمان داشته باشیم.

پس از آنکه ضعف و سستی بر دربار خلفای عباسی مستولی شد و حکومت‌های محلی در ایران شکل گرفتند به موزات آن زبان شیرین فارسی نیز که به علت نفوذ و گسترش زبان عربی از رونق افتاده و داشت به فراموشی سپرده می شد، در اثر توجه و حمایت حکام محلی تولدی دوباره یافت و بسرعت دوران رشد، بلوغ و تکامل خود را آغاز نمود.

توجه به زبان و ادبیات فارسی در زمان حکومت صفاریان کاملاً محسوس و روی کار آمدن سامانیان غزنویان به اوج خود رسید و برخی از شعراء، ادبا و علمای این عصر آثار جاودانه ای به زبان فارسی از خود به یادگار گذاشتند.

اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم هجری هـ ق مصادف بود با دو حکومت بزرگ سامانی و غزنوی. حکومت‌های محلی اگر چه برای پشتوانه و حفظ مشروعیت دینی خود از خلفای بغداد منشور دریافت می داشتند، همواره دنبال استقلال کامل حکومت خود نیز بودند و اهتمام ورزیدن آنان به احیاء و گسترش زبان فارسی مؤید این نظر است. از جمله حکومت‌های بزرگی که در ایران به قدرت رسیدند و گام‌های موثری در نزع و رواج زبان و ادب فارسی برداشتند سامانیان بودند. خاندان سامانی خود را ایرانی اصیل می دانستند و آنگونه که نقل کرده اند نسب آنان «بنابر استوارترین روایات به بهرام چوبین سردار بزرگ عهد ساسانی میرسید» (۱) سامانیان بر غیرت و ملیت ایرانی عشق می ورزیدند و در احیای فرهنگ و آداب و رسوم ایرانی به ویژه زبان شیرین فارسی توجه کامل داشتند. تنی چند از امرای سامانی خود شعر می سرودند دهها شاعر، ادیب و عالم پارسی گوی در دربار آنان حضور داشتند و مورد تشویق و تکریم قرار می گرفتند. شعرای بزرگی که در این عهد ظهور کردند و با خلق آثار خود زبان فارسی را رونق و استحکام بخشیدند تا به عنران زبان علم و ادب رسمیت یابد و مورد توجه قرارگیرد می توان از رودکی بزرگ که گل

سر سید شعرای این دوره است و هنوز پس از قرن‌ها اشعار نغز و لطیف او بر زبانها جاری است و تازگی و طراوت خود را برای علاقه مندان شعر فارسی حفظ نموده است نام برد رودکی در عصر خود نیز از شهرت بالایی برخوردار بود، بطوریکه شعرای همعصر او و یا دوره بعد به تعریف و تمجید از رودکی پرداخته اند و بخاطر سرودن اشعار زیبا با معانی و مضامین بکر مقام هنری او را ستوده اند عنصری در این باره می گوید:

غزل رودکی وار نیکو بود      غزل‌های من رودکی وار نیست

از شاعران دیگر در این دوره می توان از شهید بلخی - ابوشکور بلخی - دقیقی (که بخشی از شاهنامه را به نظم در آورد و در نهایت حکیم بزرگ فردوسی طوسی که پرورش یافته زمان سامانیان بود و در عهد محمود غزنوی اثر جاودانه قوی شاهنامه را خلق کرد) کسائی مروزی و حکیم بزرگ فردوسی نام برد که اشعار آنان زینت بخش صفحات تاریخ و ادبیات ایران است.

«شعر دوره سامانی بلحاظ زبانی سبک خراسانی (۲) است کلمات عربی کم دارد، لغات مهجور کهن و نزدیک به پهلوی دارد. در آن تکرار دیده می شود و بیشتر مبتنی بر ایجاز است. از نظر فکری حماسی است و متضمن پند و اندرز (ادب تعلیمی)، به طور کلی شعری شاد و بدور از یأس و بدبینی است. اشاره به آیات و احادیث ندارد. (به لحاظ بسامد) و به طور کلی فرهنگ اسلامی در آن نسبت به دوره های بعد بازتاب وسیعی نیافته است. از نظر ادبی شعر این دوره به لحاظ تشبیه مخصوصاً تشبیه تفصیلی بسیار قوی است.» (۳) اشعار این دوره بیشتر در قالب قطعه، قصیده، مثنوی و رباعی سروده شده است.

با انقراض حکومت سامانی، غزنویان که تربیت یافته دربار سامانیان بودند بقدرت رسیدند و حاکمیت بخش اعظمی از ایران و سپس افغانستان و هندوستان را بدست گرفتند. غزنویان از نظر نژاد ترک بودند و اعتقادی به احیای فرهنگ و تمدن ایران

آنگونه که سامانیان در اینمورد غیرت و همت به خرج می دادند، نداشتند، بی مهری نسبت به حکیم بزرگ فردوسی که با سرودن شاهنامه به ستایش ایرانیان و فرهنگ ملی آنان پرداخته و ترکان را مورد نکوهش قرار داده بود، مؤید این نظر است. اما از آنجا که غزنویان سالهای متمادی در ایران بسر می بردند و در دربار سامانیان نشو و نما کرده با فرهنگ و آداب و رسوم ایرانیان خو گرفته بودند، بدین لحاظ تغییر چندانی در اوضاع اجتماعی و فرهنگی کشور روی نداد و آنان نیز به حمایت از شعرا، ادبا و علمای فارسی گو پرداختند و آنان را مورد تمجید و تکریم قرار دادند. لذا در این دوره نیز ما با شعرای بزرگی روبرو می شویم که آثار ارزشمندی از خود بجای گذاشتند. عنصری، فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی شاعر مورد بحث ما از بزرگان عهد غزنوی به شمار می روند (ناگفته نماند که استاد ابوالقاسم فردوسی اگر چه در عهد غزنویان شاهنامه را بیابان برد، به لحاظ اینکه پرورده دوره سامانی است نام او در ردیف شعرای آن دوره ذکر گردید. (۴))

شعر دوره غزنوی ادامه سبک خراسانی است. «از نظر زبان نسبت به دوره سامانی لغات عربی افزون تر شده و از درصد لغات مهجور فارسی کاسته شده است. از نظر فکری مدح محور اصلی است و در تشبیب قصائد از معشوق و طبیعت هم سخن می رود. تصویر سازی و مضمون آفرینی از «ترک» دیده می شود. .... اشاره به معارف اسلامی در حال افزایش است. مقام معشوق همچنان پست است. از نظر ادبی هم چنین اساس بر تشبیه محسوس به محسوس است، اما تشبیه محسوس به معقول هم در حال رشد است و همچنین برخی به تشبیه خیالی توجه دارند. در دوره سامانی تشبیهات تفصیلی فراوان دیده می شد، در این دوره تشبیهات رو به کوتاهی و ایجاز دارند. تشبیهات عهد سامانی مورد تقلید قرار می گیرد. بسیاری از شاعران به تشبیهات شعر عربی هم توجه دارند.» (۵)

اکنون که به اجمال با اوضاع سیاسی، اجتماعی و ادبی ایران و سیر تحول شعر

فارسی از آغاز تا عصر منوچهری دامغانی آشنا شدیم، با نقل نظر استاد شفیع کدکنی در مورد شعر عهد غزنوی، بحث اصلی که ابتکارات شعری منوچهری است در پی می آید. استاد شفیع کدکنی در باره شعر این دوره می نویسد: «بر روی هم دو جریان در شعر این دوره وجود دارد که نماینده یکی از آنها عنصری است و نماینده دیگری منوچهری، کوشش منوچهری و اسلوب او بر این است که گرد تصاویر موجود گویندگان دوره قبل نگردد و تخیل خویش را در زمینه طبیعت و اشیاء به کار وادارد و هر چیز را از دیدگاه خود ینگرد و کوشش عنصری بیشتر بر این است که تصاویر دیگران را بگیرد و با تصرفی عقلانی آن را به صورت تازه جلوه گر کند و در حقیقت از صنعت به جای طبع کمک بگیرد و. ....» (۶)

منوچهری دامغانی شاعر دربار مسعود غزنوی است. قبل از راهیابی به دربار مسعود در دامغان که زادگاهش بود و در محدوده حکومت آل زیار قرار داشت زندگی می کرد. او در دامغان به تحصیل علوم مختلف بویژه آموختن زبان عربی که مورد وثوق امرای آل زیار بود پرداخت. وی تخلص «منوچهری» را از اسم منوچهر بن قابوس یکی از سلاطین آل زیار گرفته است. استاد بدیع الزمان فروزانفری نویسد منوچهری در ابتدا مداح این امیر بوده است لیکن در قصائد او که در این دیوان موجود است نامی از منوچهر نیست. ....» (۷)

منوچهری از شعرای برجسته و صاحب سبک نیمه اول قرن پنجم است. تسلط او به زبان عربی و مطالعه و بررسی اشعار بسیاری از شعرای عرب، آگاهی از علوم مختلف شناخت کامل طبیعت، شناخت موسیقی و اصطلاحات مربوط به آن، تسلط کامل بر زبان و ادب فارسی، ذوق سرشار، طبع لطیف و استعداد قوی شاعری همراه با نوگرایی، تشخیص جایگاه شعر فارسی در زمان خود و درک شرایط زمان و مکان و غیره تشخص خاصی به منوچهری بخشیده و او را در میان شعرای همعصر خود برجسته و شاخص نموده است. دیوان او پر است از اشعار

عالمانه و فاضلانه که نشان از آگاهی هر چند مختصر او از علوم زمان می باشد و همچنین اشعار بسیار لطیف، روان، دلنشین و شادی آفرین که سرشار از هنر ورزی است، تشبیهات بدیع و زیبا، عبارات و ترکیبات با معنا و پسندیده، مفاهیم و مضامین بکر از ویژگیهای شعری منوچهری محسوب می شود. او با قدرت و استعداد خود مشکل ترین و مهجورترین کلمات و ترکیبات عربی را در کنار کلمات روان و ساده فارسی بکار گرفته و اشعاری زیبا و با معنا سروده است. بدون اینکه به اصول و مبانی زبان و شعر فارسی لطمه ای وارد کرده باشد. شهرت و آوازه این شاعر جوان و عنایت خاصی که از سوی مردم و دربار به او می شد، حسادت حاسدان را بر می انگیزخت و موجبات دل آزرده‌گی شاعر خوش ذوق را فراهم می کرد بطوریکه او مجبور می شد با سرودن اشعاری با آنها مقابله کند بعنوان مثال قصیده ذیل که در ۴۹ بیت در اینمورد سروده است:

حاسدان بر من حسد کردند و من فردم چنین داد مظلومان بسده ای عز میر مومنین  
شیر نر تنها بود هر جا و خوکان جفت جفت ما همه جفتیم و فرد است ایند جان آفرین  
حاسدم بر من همه پیشی کند، این زو خطا است بفسرد چون بشکند گل پیش ماه فروردین  
حاسدم خواهد که او چون من همی گردد بفضل هر که بیماری دق دارد، کجا گردد سمین (۸)  
ابتکارات شعری منوچهری را می توان تحت عنوان ذیل مورد بررسی قرار داد:

۱ - بسامد لغات، اصطلاحات و تعبیرات و ترکیبات عربی

۲ - تشبیهات

۳ - نقش طبیعت و مظاهر آن و بسامد اصطلاحات موسیقی و نام گلها و گیاهان و پرندگان

۴ - مسمط

۱ - بسامد لغات، اصطلاحات، تعبیرات و ترکیبات عربی

تسلط منوچهری بر زبان عربی و مطالعه دقیق و مستمر اشعار شعرای عرب و آگاهی کامل از فنون و صناعات شعر عرب موجب شده است منوچهری آموخته های خود را در اینمورد بلا استفاده نگذارد و بدون اینکه اندکی از ارزش شعر فارسی کاسته باشد.

بسیار استادانه لغات و اصطلاحات عربی را در اشعار فارسی بکار گرفته و بنحوی زیبا و به خوبی از عهده آن بر آمده است. وی مهجورترین لغات عربی را بکار برده و در کنار کلمات ساده و روان فارسی قرار داده بدون اینکه به اصول و مبانی شعر فارسی لطمه ای وارد کرده باشد و با لفظ و معنی را فدای هم نموده باشد.

نمونه اشعاری که کلمات مهجور و دور از ذهن عربی در آن بکار رفته است:

عزایا مزن بیشتر زین نعبقا	که مهجور کردی مرا از عشیقا
نعیق تو بسیار و ما را عشیقی	نباید بیک دوست چندین نعبقا
ایارسم و اطلاع معشوق وافی	شدی زیر سنگ زمانه سحبقا
عنیزه برقت از تو و کرد منزل	به مقرط و سقط اللوی و عقبقا
خوشا منزل، خرما جابگها	که آنجاست آن سرو بالا رفبقا (۹)

قصیده ذیل که در مدح علی بن عمران سروده شده، استقبال از قصیده شاعر عرب ابوالشیخ محرز شعرای اوایل عهد عباسی که به سال ۱۹۶ هجری درگذشت می باشد.

جهانا چه بد مهر و بد خو جهانی	چو آشفنه بازار بازارگانی
بدرد کسان صابری اندر و تو	به بد نامی خویش همداستانی
بهر کار کردم ترا آزمایش	سراسر فریبی، سراسر زبانی
وگر آزمایشت صد بار دیگر	همانی همانی همانی همانی

منوچهری در پایان قصیده نام شاعر عرب که قصیده را بر وزن شعرا و سروده می

آورد:

بر آن وزن این شعر گفتم که گفته است  
اشاقک (۱۰) و اللیل ملقی الجران  
همچنین قصیده:

ابوالشعبس اعرابی باستانی  
غراب ینوخ علی عضن بان (۱۱)  
که در نوا فکندهمان نوای او  
که مستجاب زود شد دعای او  
شته شدم زاستماع نای او  
سرای او خراب، چون وفای او (۱۲)

فغان از این غراب بین و وای او  
غراب بین نیست جز پیغمبری  
غراب بین نای زن شده است و من  
برفت یسار بسی وفا و شد چنین

بر وزن قصیده ای از عتاب بن ورقاء شیبانی (۱۳) سروده شده است که با استادی و مهارت منوچهری توانسته است این قصیده طولانی و زیبا را بسراید بدون اینکه در هیچ یک از ۴۷ بیت این قصیده لفظ را فدای معنی یا معنی را فدای لفظ کرده باشد.

عتاب بن ورقاء شیبانی قصیده خود را با این مطلع شروع می کند:  
اما صحا اما ارعوی اما انتهی ...

و منوچهری در بیت چهل و پنجم قصیده خود را با این مطلع اشاره می نماید:  
اما صحا به تازی است و من همی . به پارسی کنم اما صحای او (۱۴)

استفاده از مضامین و مفاهیم شعر عرب مثل رطل - اطلال - دمن - ربع - بیابان و صحرا و غیره و آوردن اسامی بسیاری از شاعران عرب در شعر فارسی همه از ابتکارات شعری منوچهر منسوب می شود که در سرتاسر دیوان او مشهود است و ذکر همه آنها در این مختصر نمی گنجد. وی در قصیده شکوائیه خود که قبلاً ابیاتی از آن نقل گردیده می گوید:

من بسی دیوان شعر تا زبان دارم به یاد تو ندانی خواند اَلَا هَبِّی هِیْمَنک فاصبحین (۱۵)

۲ - تشبیهات:

یکی دیگر از ابتکارات شعری منوچهر که اشعار او در میان شاعران هم عصرش برجسته نموده «تشبیهات» اوست استاد دکتر سیروس شمسایا در این مورد می نویسد: «منوچهری استاد تشبیه است، تشبیهات او هم غالباً محسوس به محسوس است» (۱۶)

و استاد بدیع الزمان فروزانفر درباره تشبیهات در شعر منوچهری می فرماید: «اساس شعر منوچهری تشبیه است که او در هر بیتی مشبه و مشبه به پیدا کرده و اگر نتواند از محسوسات تشبیهی پیدا کند، هر طور باشد با افکار دقیق محسوسات را با یکدیگر ترکیب کرده تشبیهات عقلی اختراع می نماید و تا اندازه ای ملتزم است که تشبیهات بی اساس را که منشاء حسی ندارد و کاملاً عقلی است، در شعر خود بکار نبرد بدین جهت باز اشعار او امتیاز دیگر پیدا می کند، تشبیهات منوچهری اغلب خوب و جهات مناسبت کاملاً در آن رعایت می شود.» (۱۷)

زیباترین تشبیهات منوچهری را می توان در قصیده معروفی که در مدح سپهسالار مشرق علی بن عبیدالله صادق سروده است مشاهده نمود:

شبی گیسو فرشته به دامن	پلاسن معجر و فیرینه گرزن
بکرد ارزنی زنگی که هر شب	بزیاید کودکی بلغاری آن زن
کنون شوبش بمرد و گشت فرتوت	از آن فرزند زادن شد سترون
شبی چون چاه بیژن تنگ و تاریک	چو بیژن در میان چاه او من
ثربا چون میژه بر سر چاه	دو چشم من بدو چون چشم بیژن (۱۸)

منوچهری ابتدا در این قصیده ۶۵ بیتی به توصیف شب پرداخته و تصویر بسیار زیبا و دلنشین در مقابل چشم بیننده گشوده است. شب به زنی سیاه تشبیه شده که گیسوانش تا بدامان آویخته شده و سر بندی از پلاس و تاجی از جنس قیر به سر دارد که نشان از عنق و وسعت تاریکی است.

و در بیت دوم نیز شب را به زنی زنگی (سیاه) تشبیه گردیده و خورشید و آفتاب به

کودک بلغاری ( سفید ) . همچنین است در ادبیات بعدی که باز شب تاریک و سیاه به چاه بیژن تشبیه شده و ستاره ثریا که همان ستاره پروین است به منیژه والی آخر ۳ - نقش طبیعت و مظاهر آن در شعر منوچهری بسامد نام گلها و گیاهان و اصطلاحات موسیقی علاقه مفرط منوچهری به طبیعت و شناخت و آگاهی او از گیاهان ، پرندگان ، ستارگان و غیره موجب شده است تا او به وفور از اسامی گیاهان ، گلها ، پرندگان و ستارگان و اصطلاحات نجومی استفاده نماید و اشعاری زیبا و لطیف همرا با تشبیهات دقیق و ظریف بسراید و از این لحاظ نیز شعر خود را ویژگی خاصی بخشد و در میان اشعار عهد غزنوی ممتاز گرداند . اینگونه اشعار منوچهری را بیشتر در مسطهای او می توان دید .

استاد عبدالحسین زرین کوب منوچهری را شاعر طبیعت لقب داده است . (۱۹) منوچهری همانگونه که در ابتدای مقاله گفته شد جوان است و خوشگذران و لذت جو ، و تعجب ندارد اگر در کنار قصیده های مملو از لغات و تعمیرات عربی و اشعار ملمع شاهد اشعار روان و ساده و دل انگیز و شادی بخش باشیم که شاعر در آنها طبیعت را با همه زیباییهایش توصیف کرده و با بیان تشبیهات و تعبیرات لطیف و شیرین خواننده را با یک تابلوی نقاشی بسیار زیبا روبرو می سازد . در بینش منوچهری بهار و خزان ، جنگل و کویر ، صحرای بی آب و علف و چمنزارهای سر سبز و همه پرندگان و گلها و گیاهان زیباست و قابل توصیف .

آمدو نوروز هم از بامداد  
آمد نش فرخ و فرخنده باد  
باز جهان خرم و خوب ایستاد  
مرد زمستان و بهاران بزاد  
زابر سیه بوی سمن بوی راد  
گیتی گردید چون دارالقرار

روی گل سرخ بیاراستند  
زلفک شمشاد بپراستند  
کبکان بر کوه بتک خاستند  
بلبلکان زیر و ستا خواستند

فاختگام همبر بنشاستند

نای زنان بر سر شاخ چنار

لاله به شمشاد برآمیختند

بر سر آن مشک فرو ریختند

نقش و تماشیل برانگیختند

از دل خاک و دوزخ و کوهسار (۲۰)

ابر آذری برآمد از کران کوهسار  
ایس گل برد سوی کوهسار از مرغزار  
خاک پنداری به ماه و متری ابتن است  
این یک گویا چرا شد نار سیده چون مسیح  
در قصیده ای که در وصف بهار و در مدح خواجه علی بن محمد سروده است در چندین بیت متوالی قطره باران را توصیف نموده و تشبیهات بدیع و بسیار لطیف و دل انگیز از آن ساخته است که چند بیت آن به عنوان نمونه ذکر می شود . مطلع قصیده این بیت است :

هنگام و بهار است و جهان چون بت فرخار  
...وان قطره باران که بر افتد بگل سرخ  
وان قطره باران که بر افتد به سر خوید  
وان قطره باران که برافتد بگل زرد  
وان قطره باران که چکد بر گل خیری  
وان قطره باران که برافتد به سمن برگ  
وان قطره باران زیر لاله احمر  
وان قطره باران زیر سوسن کوهی

خیز ای بت فرخار ، بیار آن گل بیخار  
چون اشک عرومیت برافتاده برخار  
چون قطره سیماست افتاده بزنگار  
گویی که چکیده است سل زرد بدینار  
چون قطره می بر لب معشوقه می خوار  
چون نقطه سفیداب بود از بر طومار  
همچون شرر مرده فراز علم نار  
گویی که ثریاست برین گنبد دوار ... (۲۲)

منوچهری در اشعار توصیفی خود نام بیش از ۶۰ پرنده ، حدود ۵۰ گل و بیش از ۶۰

پرده و آهنگ موسیقی ذکر کرده است که به عنوان یک فرهنگ می توان مورد استفاده پژوهشگران در هر قسمت قرار بگیرد.

بسامد استفاده از نام آلات موسیقی و آهنگها و پرده های موسیقی ایرانی در اشعار منوچهری قابل توجه است. آنچه مسلم است منوچهری ردیفها و آهنگهای موسیقی ایرانی را می شناخته و بخوبی توانسته از آن در اشعار خود استفاده نماید:

کبک ناقوس زن شارک سنتور زن است

فاخته نای زن و بط شده طنبور زنا

پرده راست زند نارو بر شاخ چنار

پرده باده زند تمر بر نارونا (۲۳)

وین نیز عجب تر که خورد باده نه بر چنگ

بی نغمه چنگش به می ناب شتابست (۲۴)

مجلسی سازم با بر بت و و با چنگ ریاب

با ترنج بهی نرگس و با نقل و کباب (۲۵)

بامدادان بر چکک ، چون چاشتگاهان بر شخج

نیمروزان بر لبینا ، شامگاهان بردنه (۲۶)

۴- مسمط بزرگترین ابتکار شعر منوچهری که موجب شهرت و آوازه او تا به امروز شده و بیشتر از ابتکارات دیگر منوچهری را در تاریخ ادبیات ایران مطرح ساخته

غالب شعری «مسمط» است که او برای اولین بار اشعار بسیار زیبایی در این قالب سروده قالب مسمط در شعر فارسی به نام منوچهری ثبت شده و پس از قرنهای

پس از قرنهای هنوز هم مسمطهای منوچهری تازگی و اثربخشی خود را حفظ نموده است. استاد دکتر سیروس شمسیا در مورد مسمط می نویسد: «مسمط مجموعه

چند مصراع هم قافیه (بند مسمط یا تسمیط) و یک مصراع مستقل القافیه (رشته مسمط یا مصراع تسمیط) است که چند بار با قافیه های متفاوت تکرار می شود و

در این تکرار آن مصراع های مستقل القافیه ، با هم هم قافیه هستند به مسمط هایی که بند مسمط و رشته مسمط آنها ، مجموعاً سه مصراع باشند مسمط مثلث می گویند. همین طور به چهار مصراعی مسمط مربع و به پنج مصراع مسمط مخمس و به شش مصراعی مسمط مسدس می گویند. بدین ترتیب مسمط حداقل مثلث و حداکثر مسدس است و مسمطات منوچهری دامغانی همه از نوع مسدس است.»

(۲۷) مسمط ذیل از این نوع است:

گویی بت سپید جامه به صابون زده است کبک دری ساق پای در قدح خون زده است

بر گل تر عندلیب ، گنج فریدون زده است لشکر چین در بهار ، حیمه به حامون زده است

لاله سوی جویبار خرگه بیرون زده است

خیمه آن سبزگون ، خرگه این آتشین

باز مرا طبع شعر سخت به جوش آمده است کم سخن عندلیب ، دوش به گوش آمده است

از شغب مردمان لاله به هوش آمده است زمزمه بانگ آمده است بم به خروش آمده است

نثرن مشکبوی ، مشک فروش آمده است.

سیمش در گردن است ، مشکش در آستین (۲۸)

به نظر استاد شمسیا قالبی که از مسمط شرح آن داده شده نوع جدید مسمط است

که به ابتکار منوچهری از مسمط قدیم ساخته است. ایشان می نویسند: «مسمط قدیم مجموعه ابیاتی است چند لختی که لختهای غیر پایانی هر بیت با هم قافیه

درونی دارند و لخت های پایانی ابیات هم با هم قافیه بیرونی شعر را تشکیل می دهند. گاهی به اینگونه اشعار شعر مسجع می گویند که نمونه آن در اشعار مولانا

فراوان است.» (۲۹)

«منوچهری مسمط قدیم یعنی ابیاتی را که مسجع و چهارخانه بودند توسعه داد و به صورت مسمط جدید در آورد در و از این رو او را واضع مسمط می دانند

منوچهری به مسمط های خود می نازید.» (۳۰)

طاووس مدیح عنصری خواند

دراج مسمط منوچهری

« محققان عرب عقیده دارند که منوچهری مسمط را از شعر عربی تقلید کرده است و گفته اند اولین کسی که به عربی مسمط سرود بشاربن برد است ( بنا به تصریح جاحظ ) و بعد از او ابونواس مسمط گفت و همچنین نوشته اند که ظاهراً موشح از همین مسمط نشأت گرفته است . اگر این نظریه درست باشد باز هم مسمط را باید یک قالب ایرانی دانست زیرا بشار و ابونواس هر دو ایرانی نژاد بوده اند. برخی هم عقیده دارند که مسمط هم مانند قصیده از قدیم در شعر عرب بوده است بهرحال احتمال تقلید منوچهری از ادب عرب در مورد مسمط منتفی نمی باشد» آن هم با شناختی که منوچهری از زبان و ادبیات عرب ، بویژه شعر عربی داشته و تأثیر آن به وفور در دیدن او مشاهده می شود.

بهر حال قالب مسمط در شعر فارسی توسط منوچهری رایج شده است او در سرودن مسمط نیز همانند قصیده ، ابتدا با تغزل آغاز نموده و به توصیف بهار ، نوروز ، دختر رز و ... می پردازد ، سپس با مدح ممدوح مسمط را ادامه و با تمام می رساند یکی از معروفترین مسمط های منوچهر دامغانی مسمطی است که در وصف خزان و مدح سلطان مسعود غزنوی سروده است :

خیزید و خز آرید که هنگام خزان است      باد خنکا از جانب خوارزم وزان است  
آن برگ رزان بین که بر آن شاخ رازنت      گویی به مثل پیرهن رنگ رنگرزانت

دهقان به تعجب سر انگشت گزانت

کاندر چمن و باغ ، نه گل ماند و نه گلنار

طاووس بهاری را ، دنبال بکنند      پرش بیریدند و بکنجی بکنندند

خته بمیان باغ هزاریش پسندند      با او نشیند و نگویند و نخندند

وین پر نگارش بر او باز بندند

تا اذر و مه بگذرد (سپس) آزار (۳۲)

و مستط دیگر در وصف صبحی

آمده بانگ خروس مؤذن میخوارگان      صبح نخستین نمود روی به نظارگان

که به کتف برفکنند چادر بازارگان      روی عشرق نهاد خسرو و سیارگان

باده خراز اورید چاره بیچارگان

قوموا شرب الصبح ، یا ایها الناسین

می زدگانیم در دل ما غم بود      چاره ما بامداد رطل و دمام بود

راحت کزدم زده کشته کزدم بود      می زده را هم به می دار و مرهم بود

هر که صبحی زنده با دل خرم بود

با دو لب مشکبوی ، با دو رخ حورعین (۳۳)

مرحوم استاد بدیع الزمان فروزانفر که در مورد منوچهری و شعر او می نویسد . « الفاظش از معنی بیشتر است » و یا « طبعش و رزش علمی ندیده ، افکار و خیالات عمیق ندارد »

در مورد مسمطهای منوچهری می گوید « تا کنون هیچکس به آن خوبی و متانت اسلوب و ثبات قوافی و اتصال بیتها و مصراعها مسمطی نساخته » و بدینگونه است که سپس از قرنهای اشعار دل انگیز منوچهری بر زبانها جاریست و نام و شعر این شاعر بزرگ بر تاریخ ادبیات ایران می درخشد .

منابع و ماخذ :

۱ - تاریخ ادبیات ایران جلد اول تألیف دکتر ذبیح الله ضفا صفحه ۲۰۴

۲ - سبک شعر فارسی را از آغاز نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم سبک

خراسانی می نامند از آنجا که نخستین آثار نظم و نثر زبان فارسی بعد از اسلام در



ناحیه خراسان بزرگ پیدا شد به سبک این آثار (خراسانی گفته اند . خراسان بزرگ شامل خراسان کنونی ، افغانستان و تاجیکستان کنونی ، سرزمینهای ماوراالنهر و ترکمنستان ... هم بود

« نقل از کتاب سبک شناسی شعر اثر دکتر سیروس شمسیا صفحه ۲۰ »

۳ - سبک شناسی شعر اثر استاد دکتر سیروس شمسیا صفحه ۳۹

۴ - همان ماخذ صفحه ۴۴

۵ - همان ماخذ صفحه ۵۷

۶ - کتاب صورخیان در شعر فارسی اثر استاد دکتر شفیع کدکنی ص ۳۸۱

۷ - تاریخ ادبیات ایران اثر استاد بدیع الزمان فروزانفر صفحه ۱۵۰

۸ - دیوان اشعار منوچهری ص ۷۹

۹ - دیوان اشعار منوچهری ص ۵

۱ - در نسخه های دیگر بجای « اشاقک » « ساقبل » آمده است

۱۱ - دیوان صفحه ۱۲۰

۱۲ - دیوان صفحه ۸۲

۱۳ - عتاب بن ورقاد شیبانی بنا به گفته ابن فندق صاحب تاریخ بیهق از اولاد عمرو بن کلثوم شاعر عرب بود .

۱۴ - دیوان ص ۸۵

۱۵ - دیوان ص ۸۱

۱۶ - سبک شناسی شعر اثر دکتر شمسیا ص ۵۵

۱۷ - تاریخ ادبیات ایران اثر استاد بدیع الزمان فروزانفر

۱۸ - دیوان ص ۶۲

۱۹ - باکاروان جله اثر استاد دکتر عبدالحسین زرین کوب ص ۵۵

۲۰ - ۲۶ - دیوان صفحه ۶۹ - ۲۷ - ۳۷ - ۱ - ۷ - ۱۶۲ - ۸۸

۲۷ - انواع ادبی اثر دکتر سیروس شمسیا صفحه ۲۹۱

۲۸ - دیوان صفحه ۱۸۰ بخشی از مسمط در وصف صبحی

۲۹ - انواع ادبی اثر دکتر شمسیا صفحه ۲۹۲

۳۰ - سبک شناسی شعر اثر دکتر شمسیا ص ۵۴

۳۱ - انواع ادبی اثر دکتر شمسیا صفحه ۳۱۴

۳۲ - دیوان صفحه ۱۴۷ و ۱۷۷

۳۳ - سخن سخنوران اثر استاد بدیع الزمان فروزانفر صفحه ۱۳۶



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
کتابخانه دیجیتال جامع علوم انسانی